

# کلاسی از جنسِ واقعه

درس‌هایی که از استاد غلامحسین شکوهی آموخته‌ام

دکتر محمدرضا نیستانی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان



آموخته



یار مانا

## فهرست

۷	.....مقدمه
۱۳	.....آن مرد در باران آمد
۲۱	.....درس اول: طرحی از یک زندگی
۳۹	.....هنر تدریس
۷۷	.....چشمان بیداری
۹۵	.....آخرین درس‌ها و دیدارها

## آن مرد در باران آمد

سال هفتاد و یک در دوره کارشناسی علوم تربیتی، وارد دانشگاه بیرجند شدم. برای رسیدن به آموزش عالی، فراز و نشیب‌های بسیار کشیده بودم. بیشتر دوست داشتم فلسفه بخوانم یا علوم سیاسی. اما سرنوشت، مسیرم را به کلی از آنچه که به دنبال آن بودم، تغییر داد. بیماری و به تبع آن دوری از درس، منجر شد تا رؤیاهایم رنگ ببازند و من در رشته علوم تربیتی در دانشگاه بیرجند پذیرفته شوم. این رشته را در کنکور سال ۱۳۷۱ بعد از رشته‌های حقوق، فلسفه و علوم سیاسی انتخاب کرده بودم.

پیش از این تا اندازه‌ای با علوم تربیتی در درس کارورزی و از طریق معلم‌یاری آشنا شده بودم و با آن چندان نامأنوس نبودم، با وجود این، دوری از رشته‌های مورد علاقه‌ام همچون فلسفه و علوم سیاسی تا شش ماه نخست دانشگاه، سخت آزارم می‌داد.

شش ماه اول دانشگاه را با تشویش و نگرانی گذراندم. در این ماهها، تماماً با سرنوشت خویش گلاویز بودم و همواره به راه ناخوانده‌ای می‌اندیشیدم که پیش رویم نهاده شده بود. در آن ایام برای اولین بار، نگرانی‌های بی‌پایان به سراغم آمد. خود را چون تکه چوبی در سیلاب